

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۵ تیر ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۱۳ - شماره مسلسل ۶۰

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- ۲ کارگران و جنبش اعتراض به تقلب در انتخابات
- ۳ بیانیه کانون نویسندگان ایران در حمایت از مطالبات مردم
- ۳ کارگران ایران خودرو این جنایت‌ها را فراموش نخواهند کرد
- ۴ اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر کوره‌های آجرپزی شبستر
- ۴ پایان اعتصاب کارگران شرکت لاگنا در سوئد
- ۴ اعتصاب کارگران شرکت لاگنا در شهر یوردبرو سوئد
- ۶ حمایت کارگران جمع آوری و حمل زباله در سوئد از اعتصاب کارگران شرکت لاگنا
- ۶ یادداشت‌های یک دانشجوی پزشکی در مورد کشتار اخیر
- ۶ هفته اعتصاب آموزشی در آلمان



شور مطالبات پایه‌ای طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۸

کارگران و جنبش اعتراض به تقلب در انتخابات

(به مناسبت انتخابات - ۷)

تداوم آن به عنوان تنها مجرای حضور میلیونی کارگران در خیابان مطالبات اساسی آنان تازه سر باز می‌کرد و با جایگزینی شعارهای آبکی و سطحی و « بند تنبانی» با شعارهای محکم ضد سرمایه داری و ضد استبدادی به سرعت معلوم می‌شد که در پس تظاهرات در چهارچوب « موج سبز» و اعتراض صرف به تقلب در انتخابات یک مخالفت میلیونی با نظام سرمایه داری حاکم نهفته است. بدین سان، اگر این تظاهرات ادامه می‌یافت، شرکت سازمان یافته کارگران با پرچم مطالبات خود - حتی اگر با مخالفت احزاب اصلاح طلبی چون « مشارکت اسلامی» و « مجاهدین انقلاب اسلامی» هم روبه رو می‌شد - دست کم می‌توانست به بحث‌های گسترده در مورد کارگران و مطالبات آنان در سطحی میلیونی دامن بزند و بدین سان این مطالبات را در سطح کل جامعه مطرح کند.

ممکن است گفته شود که در صورت تداوم این حرکت، اصلاح طلبان نیز بی‌کار نمی‌نشستند و می‌کوشیدند رهبری خود را بر آن به طور کامل تثبیت و تحکیم کنند. در پاسخ باید گفت که اولاً اینجا نیز مانند سایر جاهای جامعه سرمایه داری عرصه مبارزه طبقاتی کارگران و سرمایه داران است و هر نیروی اجتماعی که سازمان یافته تر و با برنامه تر و منسجم تر عمل کند، به همان میزان نیز رهبری خود را بیشتر و بهتر تضمین می‌کند. بدیهی است که اگر کارگران و فعالان کارگری دست روی دست بگذارند سرمایه داران و نمایندگان آن‌ها در این مبارزه پیروز می‌شوند. اما حتی اگر اصلاح طلبان رهبری خود را به طور کامل تثبیت و تحکیم می‌کردند، باز هم تأثیر شرکت سازمان یافته کارگران بر بخش‌های کارگری این جمعیت منتفی نبود. در این مورد می‌توان شرکت فعالان کارگری در تظاهرات‌های « خانه کارگر» در اول ماه مه را مثال زد. تا آنجا که به سال‌های اخیر مربوط می‌شود، دست کم می‌توان تظاهرات سال‌های ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ را شاهد آورد که در آن‌ها فعالان کارگری توانستند بر بستر حضور توده کارگرانی که خانه کارگر را قبول ندارند اما تنها مجرای حضور در خیابان را شرکت در تظاهرات آن می‌دانند در حد نیروی خود ابتکار عمل را از دست « خانه کارگر» بگیرند و شعارها و مطالبات خود را در میان این توده کارگران مطرح کنند. سال ۸۴، در ورزشگاه آزادی، فعالان کارگری فضای سالن را به ضد خود خانه کارگر تبدیل کردند، به طوری که هاشمی رفسنجانی - پدروخوانده «خانه کارگر» - که قرار بود برای سخنرانی به سالن بیاید از بیم این فضا از سخنرانی منصرف شد و از نیمه راه برگشت و به سالن نیامد. سال ۸۵، تظاهرات خانه کارگر در مقابل سفارت سابق آمریکا در ایران در خیابان طالقانی (تخت جمشید سابق) بود. در این تظاهرات نیز فعالان کارگری توانستند جمعیتی حدود ده هزار نفر را از بنده تظاهرات خانه کارگر جدا کنند و با طرح شعارها و مطالبات رادیکال کارگری همراه این ده هزار نفر از مقابل سفارت تا میدان فلسطین (کاخ سابق) راه پیمایی کنند. در سال ۸۶ نیز همین اتفاق در ورزشگاه شیروزی (امجدیه سابق) افتاد، به طوری که هنگام خروج کارگران از ورزشگاه جمع وسیعی از آنان تا میدان هفت تیر راه پیمایی کردند و پلیس به زور توانست آنان را در آنجا متفرق کند. حرکات سازمان یافته فعالان کارگری در این سه سال پیاپی و ناتوانی خانه کارگر در مهار آن‌ها باعث شد که در سال‌های بعد برای اول ماه مه دیگر به خانه کارگر مجوز راه پیمایی و تظاهرات خیابانی و حتی تجمع ندهند. خانه کارگر نیز که فهمید قادر نیست همان بنده کارگری را که خود به صحنه آورده کنترل کند در سال‌های بعد به مراسم سخنرانی در سالن‌های کوچک و دور افتاده آن هم صرفاً برای اعضای دعوت شده خود رضایت داد و دم برنیآورد. این‌ها همه نشان می‌دهد که حتی در صورت تثبیت کامل رهبری اصلاح طلبان بر جنبش اعتراضی جاری، که تنها راه به خیابان آمدن آن از طریق اصلاح طلبان است، برخورد فعالانه

یکی از دغدغه‌ها و پرسش‌های کارگران آگاه و فعالان کارگری در مورد اوضاع پیش آمده در جامعه این است که آیا شرکت کارگران در جنبشی که در اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفته جنبش کارگری را به سیاهی لشکر جنگ جناحی از طبقه سرمایه دار علیه جناح دیگر آن تبدیل نمی‌کند؟ به باور این کارگران و فعالان، در این که کارگران مثل شرایط پیش از انتخابات باید به مبارزه مستقل خود علیه سرمایه ادامه دهند بحثی نیست. اما مسئله آنان شرکت یا عدم شرکت کارگران در جنبش اعتراضی جاری است: آیا باید در این جنبش شرکت کرد و با طرح مطالبات ضد سرمایه داری طبقه کارگر و گرفتن رهبری آن از دست جناح اصلاح طلب سرمایه داری آن را به عرصه دیگری از مبارزه علیه سرمایه تبدیل کرد یا این که کارگران حتی در صورت شرکت سازمان یافته و با پرچم مطالبات ضد سرمایه داری خود باز هم به سیاهی لشکر یک جناح علیه جناح دیگر تبدیل خواهند شد؟

برخی افراد و جریان‌ها بر این باورند که شرکت کارگران در این جنبش حتی به صورت سازمان یافته و با پرچم مطالبات خود، آنان را به سیاهی لشکر یک جناح از طبقه سرمایه دار علیه جناح دیگر آن تبدیل می‌کند. اینان تأمین و حفظ استقلال طبقاتی کارگران در مبارزه علیه نظام سرمایه داری را از جمله درگرو عدم شرکت آنان در جنبش جاری اعتراض به تقلب در انتخابات می‌دانند. به زعم آنان، کارگران حتی اگر به صورت سازمان یافته و با پرچم مطالبات خود هم در این جنبش شرکت کنند باز هم نمی‌توانند رهبری و ابتکار عمل را از دست رهبران این جنبش بگیرند و در واقع آن را به ضد خودش تبدیل کنند.

یک علت اساسی چنین درک و رویکردی تصویر غیرواقعی و نادرستی است که این افراد و جریان‌ها از جنبش اعتراضی جاری در ذهن دارند. طبق این تصویر، جنبش اعتراض به تقلب در انتخابات جنبشی کاملاً انسجام یافته و متحد و متشکل و پا در رکاب جناح اصلاح طلب سرمایه داری است که توانسته است انبوه مطالبات آحاد متشکل در خود را به مطالبه تجدید انتخابات محدود کند. این تصویر مبتنی بر واقعیت نیست. اگر بپذیریم که اکثریت کسانی که در انتخابات اخیر شرکت کردند و سپس در اعتراض به نتیجه انتخابات به خیابان‌ها آمدند و با شعار « مرگ بر دیکتاتور» به جنگ و گریز با سرکوبگران پرداختند و به رغم تهدید شدن به ریختن خونشان باز هم به خیابان آمدند و با وجود ریخته شدن خون ده‌ها تن و مجروح و دستگیر شدن هزاران تن باز هم دارند به خیابان می‌آیند در واقع نه از حب علی بلکه از بغض معاویه در انتخابات شرکت کردند، به ناچار باید بپذیریم که این جمعیت میلیونی معترض نه پیروان سینه چاک میرحسین موسوی بلکه مخالفان سرسخت احمدی نژاد و جناح قدرتمند پشت سر او و به طور کلی کل نظام حاکم هستند (این نکته به وضوح از شعارهای معترضان در جریان درگیری‌های خونین روزهای اخیر قابل مشاهده است). افزون بر این، هر کس که تظاهرات میلیونی روز دوشنبه ۸۸/۳/۲۵ در تهران را به چشم خود دیده باشد می‌داند که توصیف این تظاهرات به عنوان یک حرکت سازمان یافته و منسجم و دارای رهبری تثبیت شده‌ای که شعارهای مشخصی را از یک مرکزیت واحد صادر می‌کند توصیفی کاملاً نادرست و غیرواقعی است. بی‌گمان، فضای حاکم بر این تظاهرات عظیم فضای مخالفت با نتیجه انتخابات و اعتراض به تقلب در انتخابات بود و به این معنا در چهارچوب پذیرش انتخابات به عنوان یک سازوکار نظام سرمایه داری قرار داشت. اما در عین حال راه طرح شعارها و مطالبات دیگر - به ویژه اگر برای آن‌ها برنامه ریزی و سازماندهی می‌شد - بسته نبود. متأسفانه این حرکت نتوانست ادامه یابد و در روزهای بعد به خون کشیده شد، درست به این دلیل که در صورت

کارگران در مبارزه طبقاتی از طریق عدم شرکت در تظاهرات ها و تجمع هایی که توده کارگران در آن حضور دارند چیزی نیست جز توجیه انفعال در پوشش چپ نمایی.

کارگران!

به رغم آن که میلیون ها انسان معترض و مخالف نظام حاکم فعلا با سرکوب خونین و وحشیانه نیروهای سرکوبگر سرمایه مواجه شده اند، به علت وضعیت پیچیده کنونی یعنی حدت یابی تضاد بین پایین و بالا از یک سو و اجبار دو جناح طرف دعوا در پافشاری بر موضع خود از سوی دیگر، این اعتراض ها و مخالفت ها در شکل های دیگر ادامه خواهد یافت. ما ضمن تأکید مجدد بر راهکارهای پیشنهادی پیشین در مورد تصرف کارخانه های در معرض تعطیل و اعتصاب در مراکز دایر و کلیدی کار و تولید، شما را به تشکیل شوراهای ضدسرمایه داری خود و حضور فعالانه در اعتراض ها و مخالفت های توده ای آینده با هدف طرح مطالبات ضدسرمایه داری طبقه کارگر و احراز رهبری کارگران بر این حرکت ها فرا می خوانیم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۳ تیر ۱۳۸۸

برای تاثیرگذاری بر این جنبش هنوز هم منتفی نیست، چه رسد به وضعیت کنونی که در آن اولاً بنده توده شرکت کننده در جنبش جاری یک بنده مخالف جمهوری اسلامی است، و ثانياً و به همین دلیل، رهبری اصلاح طلبان در آن به هیچ وجه تثبیت و تحکیم نشده است.

رویکرد و راهکاری که احراز صف مستقل کارگران در مبارزه طبقاتی را در گرو عدم شرکت در تظاهرات ها و تجمع های توده ای (و نه مضحکه هایی چون «هخا») می داند، که در شرایط کنونی به ناچار در زیر پرچم این یا آن جناح از طبقه حاکم انجام می گیرد، در واقع همان رویکرد و راهکار سازمان های چپ مدعی نمایندگی طبقه کارگر در اوایل انقلاب را تداعی می کند. به یاد داریم که در حالی که ده ها هزار کارگر متشکل در «شوراهای کارگری شرق تهران» در روز اول ماه مه سال ۵۹ از میدان خراسان تا میدان شهدا (ژاله سابق) راه پیمایی می کردند، «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» به جای پیوستن به صفوف این کارگران و تلاش برای ارتقای مطالبات آنان به سطح مطالبات آگاهانه ضدسرمایه داری، در اطراف دانشگاه تهران و با سازمان «دال دال» اش پرچم سرخ برافراشت، با این خیال که گویا دارد مراسم اول ماه مه را با صف مستقل پرولتاریا برگزار می کند!! غافل از آن که صف مستقل طبقه کارگر نه با این گونه حرکات فرقه گرایانه و از موضع سرنگونی طلبی فراطبقاتی بلکه در جریان مبارزه با طبقه سرمایه دار و دولت آن از جمله در جریان شرکت در تظاهرات ها و تجمع هایی به دست می آید که به رغم رهبری ارتجاع سرمایه داری بر آن ها توده کارگران در آن ها حضور می یابند. ادعای تأمین و حفظ صف مستقل

بیانیه کانون نویسندگان ایران در حمایت از مطالبات مردم

۳. امکان برگزاری آزادانه مراسم بزرگداشت جانباختگان راه آزادی فراهم آید.
۴. سانسور خبری مطبوعات و رسانه ها هر چه زودتر برچیده شود.
۵. به اشغال نظامی تهران و دیگر شهرهای کشور پایان داده شود.
۶. آمران و عاملان کشتار مردم معرفی، محاکمه و مجازات شوند.

بساط سرکوب را برچینید!

مردم حق طلب و آزادی خواه را اراذل و اوباش و آشوبگر خوانید!

به خواست مردم برای آزادی گردن نهید!

کانون نویسندگان ایران

۸۸/۴/۲

مردم شریف و آزاده!

طی نزدیک به دو هفته ای که از اعلام نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ می گذرد، ده ها تن از مردم بی گناه بر اثر یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر به قتل رسیده اند. افزون بر این، شمار بسیار بیش تری مجروح و بازداشت شده اند. کانون نویسندگان ایران بی آن که بخواهد وارد بحث ماهیت انتخابات و درستی یا نادرستی شرکت در آن شود بنا بر منشور و اساسنامه خود از آزادی بیان بی هیچ حصر و استثناء برای همه مردم و معترضان و سرکوب شدگان، صرف نظر از عقاید سیاسی آنان، پیگیرانه دفاع می کند، و ضمن محکوم کردن کشتار سازمان یافته مردم حق طلب ایران و تسلیت و همدردی با خانواده های بازماندگان و مردم داغ دیده، خواهان آن است که:

۱. به حمله وحشیانه به تظاهرات و راهپیمایی آرام و مسالمت آمیز و متمدنانه مردم پایان داده شود.
۲. اسامی همه کشته شدگان، مجروحان و دستگیرشدگان اعلام، و بازداشت شدگان بی قید و شرط و بی درنگ آزاد شوند.

کارگران ایران خودرو این جنایتها را فراموش نخواهند کرد

جرم آن ها مگر غیر از آزادی و برای یک دنیای بهتر بود؟

دولت احمدی نژاد یک بار دیگر ثابت کرد که فقط تکیه بر سرکوب و فریب و دروغ بر سرکار مانده است. کشتار مردم و آن هم به طرز وحشیانه که نمونه آن در هیچ تاریخی وجود ندارد. حتی هیتلر نیز دچار چنین جنایتی نشده بود. حمله با قمه و چاقو و کشتن جوان ۱۶ ساله در جلو چشمان مادرشان. آیا در تاریخ سراغ دارید؟ کارگران ایران خودرو این جنایتها را فراموش نخواهند کرد.

کارگران ایران خودرو یاد جانباختگان راه آزادی و زحمت کشان را گرامی می دارند.

دوستان کارگر و همکاران گرامی

طی روزهای اخیر با یورش وحشیانه نیروهای حامی سرمایه داران ده ها نفر از هم میهنانمان به خاک و خون کشیده شده اند.

ده ها نفر زخمی و کشته شدند.

دروء بی‌پایان بر راه گشایان آزادی و زحمت‌کشان
جمعی از کارگران ایران خودرو
تیر ۸۸

ما کارگران ایران خودرو ضمن محکوم کردن این حملات وحشیانه به مردم، یاد جان باختگان راه آزادی و زحمت‌کشان را گرامی می‌داریم و درود خود را به آن‌ها و خانواده آن‌ها و تمام آزادی‌خواهان می‌فرستیم.

اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر کوره های آجرپزی شبستر

سرکوبگران خواستار متفرق شدن کارگران و رفتن آنان به سر کار شده اند. پاسخ کارگران بسیار دندان شکن بوده است: اعتصاب را تا دستیابی به نتیجه مطلوب ادامه خواهند داد.

۳۱ خرداد ۸۸

اساس سرمایه دار تصمیم به اعتصاب گرفتند. آنان از روز ۲۹ خرداد دست از کار کشیدند، کوره ها را خاموش و چرخ تولید را متوقف ساختند. کارفرما مطابق معمول از نیروی سرکوب استمداد کرده است. سرکوبگران بسیار سریع در محل حضور یافته اند. آنان تهاجم خویش را با تهدید آغاز کرده و به کارگران اخطار نموده اند که در صورت ادامه اعتصاب هر کدام ۶ ماه به زندان خواهند افتاد.

کارگران کوره های آجرپزی شبستر دست از کار کشیدند. ۴۰۰۰ کارگر خواستار افزایش دستمزدهای خویش هستند. آنان مدت ها است به کارفرما اخطار کرده اند که سطح جدید دستمزدها را تعیین و اعلام کند. سرمایه دار مالک کوره پزخانه از قبول خواست کارگران سرپیچی کرده و تا امروز حاضر به اعلام افزایش حقوق ها نشده است. کارگران به دنبال دفع الوقت های مکرر و بهانه جویی های بی

پایان اعتصاب کارگران شرکت لاگنا در سوئد

کارگری به ما توصیه می کند که برای بازگشت به سر کار خود به صورت تک تک با کارفرما گفتگو کنیم!! ما هرگز این کار را نخواهیم کرد و هیچ نیازی به آن نمی بینیم. ما بسیار سربلند به سر کار خود باز می گردیم».

کارگران در جمعیت های خود بر این باورند که اعتصاب ۴ روزه دستاوردهای مهمی داشته است. آنان می گویند که به دنبال این اعتصاب و اعتصابات مشابه سرمایه داران به خود اجازه نخواهند داد به راحتی کارگران استخدامی را با کارگران ارزان بهای قراردادی جایگزین کنند. دستاورد دیگر اعتصاب از نظر آنان این است که همه همزنجیرانشان خوب می آموزند که بدون توافق اتحادیه های کارگری همدست سرمایه هم می توان اعتصاب کرد و می توان در اعتصاب پیروز شد. سومین دستاورد اعتصاب تأثیر تلاش های آگاهگرانه کارگران برای متقاعد ساختن همزنجیران قراردادی خویش به اشتباه بزرگی است که مرتکب می شوند. اعتصاب کنندگان تلاش کرده اند تا ضرورت اتحاد و همبستگی جمعی علیه کارفرمایان را هر چه بیشتر برای این بخش از همزنجیران خود توضیح دهند و در پاره ای موارد همدلی و همراهی آنان را به دست آورند.

ژوئن ۲۰۰۹

همه جاهای دیگر برسانیم و در این کار کاملاً موفق بوده ایم». کارگران به شرکت اخطار کرده اند که باید شکایت خود را پس گیرد و از ادامه ترفند برای تسلیم آنان به دادگاه سرمایه دست بردارد. در این مورد لازم به توضیح است که عدم توافق اتحادیه کارگری با شروع اعتصاب سلاحی جدی در دست سرمایه دار برای محاکمه کارگران و تحمیل جریمه های سنگین بر آنان است. شرکت لاگنا از پیش این شکایت را به « دادگاه کار» سوئد تسلیم کرده است. سرمایه داران در طول اعتصاب قبول کردند که اخراج ها را به تعویق اندازند و کارگران نیز با صدای رسا و متحد فریاد زدند که به محض شروع اخراج ها مبارزه را از سر خواهند گرفت. اعتصاب کارگران شرکت لاگنا در میان اعتصابات خارج از مدار قانونیت سرمایه و حصار سندیکالیسم اتحادیه ای از جمله اعتصابات طولانی بود. یکی از کارگران شرکت می گوید ما اینک بسیار خوب آموخته ایم که برای اعتصاب کردن نباید منتظر توافق صدزنشینان اتحادیه ها باشیم. این ما هستیم که به محض ضرورت اعتصاب را اعلام می کنیم و خودمان هستیم که با تشخیص دسته جمعی آگاه خویش اعتصاب را پایان می دهیم. او گفت که اعتصاب ۴ روزه صفوف ما را بیش از پیش متحد و مستحکم ساخت. کارگر دیگری در تکمیل صحبت رفیق خود گفت: « اتحادیه

اعتصاب کارگران شرکت لاگنا، بخش انبار تراست عظیم دولتی توزیع مشروبات الکلی سوئد در شهر یوردبرو، به پایان رسید. کارگران اعتقاد دارند که به هدف اصلی اعتصاب به طور نسبی دست یافته اند. اعتصاب به صورت خودجوش و با ترمز متحد و قدرتمند کارگران از نظم سندیکالیسم راست اتحادیه ای آغاز شد و هدف آن عقب راندن کارفرمایان از تصمیم ضدکارگری جایگزین سازی کارگران استخدامی با نیروی کار قراردادی ارزان بهای فاقد هر نوع تضمین اشتغال بود. کارگران در طول ۴ روز چرخ کار را از گردش بازداشتند. هر نوع حمل مشروبات الکلی به خارج از انبار را متوقف ساختند. در مقابل هجوم نیروهای پلیس سخت مقاومت نمودند و مهاجمان را مجبور به عقب نشینی کردند. یکی از کارگران زن کارخانه در روز پنج شنبه ۱۸ ماه ژوئن به دنبال تصمیم دسته جمعی اعتصاب کنندگان به پایان اعتصاب در مقابل دوربین برخی خبرنگاران حاضر شد. او به دنبال مرور اجمالی خیل پیام های حمایت کارگران مراکز مختلف کار سوئد اعلام کرد: " اکنون تقریباً تمام توده های کارگر در جریان مبارزه ما قرار گرفته اند. همه آن ها متوجه شده اند که تراست سرمایه داری لاگنا چه اقداماتی علیه ما کارگران انجام می دهد. ما می خواستیم صدای اعتراض خود را به گوش تمامی همزنجیران در

اعتصاب کارگران شرکت لاگنا در شهر یوردبرو سوئد

توافق دیوان سالاری اتحادیه ای آغاز شد. پدیده ای که در عرف سرمایه داری از آن به عنوان

دست از کار کشیدند. اعتصاب به صورت خودجوش و در خارج از مدار تصمیم گیری یا

روز دوشنبه ۱۵ ژوئن ساعت ۶ صبح کارگران بخش انبار شرکت لاگنا در شهر یوردبرو سوئد

هموارسازی راه تداوم اعتصاب می دهد. به نظر می رسد که با توجه اهمیت بسیار زیاد توزیع مشروب در این برهه زمانی خاص احتمال تهاجم وحشیانه تر قوای پلیس در جدول محاسبات کارگران وارد شده است و آنان ترجیح داده اند که با باز کردن اندک سوپاپ اطمینان و پرهیز از خطر انفجار راه تداوم مؤثرتر پیکار را باز نگه دارند.

نکته ای نیز از دیوان سالاری اتحادیه ای در مورد این مبارزات بگوئیم. قبلاً خاطر نشان کردیم که این اعتصاب در خارج از مدار توافق اتحادیه آغاز شده است. کارگران با شکستن حریم قدرت اتحادیه اعتصاب را شروع کرده اند. اما دیوان سالاری اتحادیه ای طبعاً دست بردار نیست و چهارچوبی مواظب است که آن را به شکست بکشاند. نمایندگان کلوب محلی اتحادیه به طور مکرر به اعتصاب کنندگان رجوع می کنند و با طرح مسائلی از نوع این که گویا اتحادیه بسیار سراسیمه و آشفته در تلاش برای حل مشکل آن ها است!! از کارگران می خواهد که به اعتصاب پایان دهند و حرمت سودافزایی عظیم تر سرمایه را پاس دارند. اصرار خمد و حشم اتحادیه ای تا این لحظه با پاسخ مخالف بسیار قاطع و دندان شکن کارگران مواجه شده است. آنان صریح و استوار اعلام کرده اند که تا دستیابی به نتیجه مطلوب و تضمین ادامه اشتغال خویش به اعتصاب ادامه خواهند داد.

نکته دیگری را نیز در ادامه این گزارش توضیح دهیم. هجوم نیروی پلیس به مراکز کار و محل وقوع اعتصابات کارگری در جامعه سوئد امر رایجی نیست. دلیل آن هم بسیار مشخص است. اتحادیه کارگری کلیه فعالیت ها، رسالت ها و مأموریت های پلیس سرمایه را بسیار موفق تر و سازمان یافته تر و مدنی تر و دموکراتیک تر انجام می دهد. پلیس معمولاً وقتی وارد میدان مشاجره میان توده های کارگر و کارفرمایان می شود که کارگران مقاومت دیوان سالاری اتحادیه ای را در جلوگیری از وقوع مبارزات خود در هم شکسته اند. حادثه مورد بحث ما نیز دقیقاً از همین نوع بوده است. اعتصاب اینک ادامه دارد. کارگران بسیار خشمگین و عاصی هستند و آثار هیچ نوع عقب نشینی در حرکت آنان دیده نمی شود.

ژوئن ۲۰۰۹

پلیس سرمایه مطابق معمول دست به کار کفن و دفن بازی دموکراسی شد و آنچنان که رسم سرمایه است بسیار صریح اعلام کرد که کارگران را دستگیر و زندانی و مجازات خواهد کرد. فحواى واقعی کلام پلیس این بود که اینجا جای قرانت تبصره ها و حاشیه نویسی های دموکراتیک قانون سرمایه نیست. برعکس، جایی است که باید به نص صریح و جوهر واقعی کار قانونگذار رجوع کرد. به ویژه آن که اتحادیه کارگری نیز مخالفت خود را با اعتصاب اعلام کرده و به این ترتیب کل شرع و عرف و مدنیت و زمین و زمان سرمایه برای سرکوب اعتراض کارگران با او همراه است. پلیس آماده دستگیری اعتصاب کنندگان شد. اما در همین حال شماری از کارگران به راهکار جالب دیگری روی کردند. آنان در یک چشم به هم زدن خود را به زیر کامیون های حامل مشروبات رساندند، در آنجا سنگر بستند و فریاد زدند که هر نوع حمل کالا به خارج از انبارها مستلزم عبور کامیون ها از روی نعلش آنان است. کارگران با قدرت و جسارتی شگرف خطاب به پلیس سرمایه اعلام کردند که بفرمایید و از روی جنازه ما عبور کنید!



مقاومت کارگران پلیس را مجبور به عقب نشینی کرد. در طول ماجرا سلاح تهدید به دستگیری کارایی خود را از دست داد. کارگران توانستند به پلیس سرمایه نشان دهند که واقعاً در همین سطح محدود ۱۰۰ نفری خویش هم یک قدرت هستند. قدرتی که دیوار سیمانی زندان سندیکالیسم سیاه اتحادیه ای را شکسته است و سپس پلیس سرمایه را این گونه مجبور به عقب نشینی می کند. اعتصاب کنندگان به دنبال این پیروزی با تشکیل یک جلسه دسته جمعی تصمیم گرفتند که به شماری از کامیون ها اجازه خروج دهند. این که هدف آنان از این کار دقیقاً چه بوده است اطلاع درستی در دست نیست. اما شواهد حکایت از توسل آن ها به نوعی تاکتیک برای

اعتصاب وحشی (خودرو) یا در واقع فاقد مشروعیت قانونی سرمایه یاد می شود. پیش تر در خبرها از تظاهرات خیابانی و مبارزات کارگران این شرکت صحبت کرده ایم. اعتصاب روز ۱۵ ژوئن در امتداد همان مبارزات صورت می گرفت و هدف آن اعتراض به اخراج کارگران استخدامی و جایگزین سازی آن ها با کارگران قراردادی توسط سرمایه داران بود. لاگنا شرکت انبارداری تر است عظیم توزیع مشروبات الکلی در سوئد است که مالکیت آن در انحصار دولت این کشور است. همه کارگران جز ۲ نفر در اعتصاب شرکت دارند. اعتصاب کنندگان با پارک خودروها در مقابل دروازه ورودی شرکت دست به ایجاد راه بندان زده اند تا از این طریق راه خروج هر نوع مشروب از انبارها را ببندند. نکته قابل توجه این است که اعتصاب چند روز پیش از مراسم موسوم به «نیمه تابستان» سازماندهی شد. در این روز و در جریان مراسم آن مصرف مشروبات الکلی به بالاترین میزان سالانه خود می رسد و طبیعی است که کارگران با شروع اعتصاب و تعطیل توزیع مشروبات عملاً نظم کار سرمایه را در سطحی بسیار وسیع مختل می ساختند و همزمان جمعیت عظیمی از همزنجیران خویش را نیز به صورت مؤثر متوجه مطالبات و مبارزات خود می کردند.

اعتصاب کارگران و اقدامات تکمیلی تأثیرگذار و سازمان یافته آنان با واکنش حاد و هیستریک دولت سرمایه داری مواجه شد. نیروی پلیس به سرعت برق در محل اعتصاب حاضر شد و به کارگران اخطار کرد که باید راه خروج کالاها از انبارها را باز کنند. اخطار پلیس بی درنگ با مقاومت بسیار مصمم و متحد و متشکل کل کارگران اعتصابی رو به رو شد. همه کارگران بازو در بازوی همدیگر راه هر نوع خروج خودروهای حامل مشروب را سد ساختند. پارک خودروها در مقابل دروازه ورودی شرکت نیز سد محکمی بر سر راه عبور کامیون ها بود. پلیس با سماجت از کارگران تقاضا می کرد که خودروها را از مسیر حرکت کامیون ها دور کنند. اما کارگران نه فقط این کار را نمی کردند بلکه خود نیز بازو به بازوی هم دیوار آهنینی در مقابل هر نوع حمل و نقل شرکت ایجاد می کردند و به این ترتیب سد ایجاد شده توسط پارک خودروها را تکمیل می کردند.

حمایت کارگران جمع آوری و حمل زباله در سوئد از اعتصاب کارگران شرکت لاگنا

جنبش اتحادیه ای باید از مبارزه کارگران انبار مشروب فروشی دولتی در شهر یورد برو حمایت و علیه اخراج های نامعقول و غیرمنطقی آن ها اعتراض کند». در همین جا توضیح دهیم که ائتلاف سپتامبر، که به دنبال بیکارسازی های گسترده ماه های اخیر در سوئد به وجود آمده است، متشکل از برخی فعالان کارگری عضو گروه های طیف رفرمیسم چپ مسالمت جو و منتقد بسیار بی آزار برخی سیاست های سندیکالیسم راست اتحادیه ای است.

ژوئن ۲۰۰۹

کارگران جمع آوری زباله که طی اعتصاب خود در ماه فوریه قدرت خود را نشان دادیم. ما از همین حالا حمایت عملی مؤثر خود را از شما و مبارزات و مطالبات شما آغاز خواهیم کرد».

علاوه بر کارگران جمع آوری و حمل زباله شهر استکهلم کارگران دیگری نیز از سایر مراکز کار و تولید حمایت خود را از اعتصاب کارگران شرکت لاگنا اعلام کرده اند. کارگران معدن « کیرونا»، معدن ۴ « مالم بری» کارگران عضو جریان موسوم به «ائتلاف سپتامبر» از این جمله اند. کارگران متشکل در ائتلاف پس از تشکیل اجلاس ۱۵ ژوئن خویش با صدور اطلاعیه ای اعلام کرده اند که: « کل

کارگران جمع آوری و حمل زباله در شهر استکهلم که در طول دو سال اخیر دو بار با در هم شکستن حصار آهنین زندان اتحادیه دو اعتصاب بسیار گسترده و با قدرت علیه سرمایه داران سازمان داده اند، اینک حمایت مؤثر خود را از اعتصاب کارگران همزنجیر خویش در شرکت لاگنا اعلام کرده اند. روز دوشنبه مارکوس لیس از چهره های آشنا و از جمله سخنگویان سرشناس اعتصاب ماه فوریه امسال کارگران حمل زباله ضامن اعلام این حمایت گفت: « ما از اعتصاب شما حمایت می کنیم. کارفرمایان سعی خواهند کرد که شما را تهدید به دستگیری و تسلیم به دادگاه و جریمه شدن کنند. اما شما قوی هستید. درست مانند ما

یادداشت های یک دانشجوی پزشکی در مورد کشتار اخیر

می تواند در بیمارستان بماند و کمک کند. امشب مطمئناً اوضاع بدتر هم می شود. به تمام این جنایت ها چه می توان گفت؟ به خانواده پسر ۱۳ ساله ای که با گلوله کشته شده و حتی از جنازه اش خبری نیست چی می شود گفت؟! دیگر بحث تقلب نیست. دیگر بحث دزدیدن رای نیست. بحث ظلم عظیمی است که علیه مردم می کنند. دست هر بچه ۱۳ یا ۱۴ ساله یک باتوم داده اند که بزند توی سر و صورت یک عده خس و خاشاک!! یک عده اوپاش!!

نقل با اصلاحات نگارشی

۲۹ خرداد ۸۸

شده ها را با و انت بردند!! حتی نگذاشتند کسی اسم آنان را بفهمد. به کسانی که حتی حرمت مرده را نگه نمی دارند چی می توان گفت؟ کسی حق ندارد با زخمی ها صحبتی کند یا اطلاعاتی بگیرد. صبح امروز استاداها و دانشجویان در اعتراض به برخورد هایی که شده است و در اعتراض به این همه کشتار اعتصاب کردند و در محوطه بیمارستان جمع شدند ولی نیروهای ضد شورش و لباس شخصی وارد محوطه گردیدند. آنان درهای ورودی بیمارستان را بستند و همه را زندانی کردند. آنقدر شمار زخمی ها زیاد است که اورژانس بیمارستان ما که قوی ترین اورژانس است از دانشجویها خواسته است که هرکسی که

واقعا متاسفم از شرایطی که این روزها می بینم. من کاری به بحث هایی که تا اینجا شده است ندارم، چون نه توان بحث دارم نه تحمل این همه چیزهایی را که دیده ام و می شنوم. من فقط چیزهایی را که بعینه دیدم باز می گویم. دانشجوی پزشکی هستم. دیشب اورژانس یکی از بیمارستان های اصلی ما قیامت بود. در حالی که قرار بوده تمام مجروح ها به بیمارستان های بقیه الله و بیمارستان های ارتش برده شود، آنقدر زخمی زیاد بوده است که به تمام بیمارستان ها سرریز شده است. دیشب نه نفر در بیمارستان ما فوت شدند و ۲۸ زخمی تیر خورده بودند. تا صبح همه مسئولان دانشگاه در بیمارستان گریه می کردند. جنازه های کشته

هفته اعتصاب آموزشی در آلمان

سومین اعتراض و اعتصاب بزرگ آموزشی بعد از سال های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲ است. کارمندان اداری آموزشی نیز برای دستمزد بهتر وارد مبارزه شدند و به اعتصاب پاسخ مثبت دادند. اعتصاب از ۲۰۰۹/۶/۱۵ آغاز شد.

در بخش دانشجویی اعتراض برای استقرار یک نظام آموزشی بهتر است، اعتراض به نظام جدید که وقتی برای دانشجو جهت کارکردن و تامین زندگی نمی گذارد. لغو هزینه ثبت نام. در حالی که تا دو سال قبل تحصیلات دانشگاهی مجانی بود و هزینه ثبت نام پرداخت نمی شد اما اکنون برای هر ترم باید ۵۰۰ یورو بپردازند. از زمان تصویب این قانون دانشجویان به طور

معترض انجام می شد و در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به عنوان عمل انقلابی توسط دانشجویان و جوانان در سراسر آلمان به اجرا درمی آمد و به زندگی جمعی و تشکیل کمون ها منجر می شد به طوری که هنوز بخشی از ساختمان های تصرف شده در اختیار تصرف کنندگان قرار دارد، هنوز هم خصلتی انقلابی و اعتراضی دارد. اعتصاب برای مدت یک هفته برنامه ریزی شد که روز چهارشنبه به عنوان روز ویژه انتخاب شد. بسیاری از معلمان نیز همراه با شاگردان در گردهمایی ها شرکت می کردند و به عابرین و سنوال کنندگان در مورد دلیل اعتصاب، وضعیت آموزشی، اشکالات موجود و خواسته های معترضین پاسخ می دادند. این

هنوز اعتصاب کارگران کودکستان ها و کیتاها تمام نشده که ده ها هزار دانشجو و دانش آموز در بیش از ۶۰ شهر آلمان یک اعتصاب یک هفته ای را برای خواسته نظام آموزشی بهتر ترتیب دادند. دولت میلیاردها یورو به بانک ها می پردازد به جای این که در آموزش سرمایه گذاری کند. اما ما آینده این سرزمین هستیم. این را آنیکا دانش آموز گرامتسوله (رشته عمومی) بیلفلد می گوید. کلاس های درس تعطیل شده است و معترضان به طور نمادین ساختمانی را در دانشگاه ها تصرف کرده اند و مانع تشکیل سمینار یا اجاره آن ها برای اجرای برنامه شده اند تا نظرها را به خود جلب کنند. زیرا تصرف، که در گذشته دور توسط کارگران

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

گونه ای دیگر بود، کلاس های بسیار بزرگ با ۱۰ تا ۱۲ شاگرد. اما اکنون حتی به ۳۰ نفر هم رسیده است. هم چنین است سمینارهای دانشگاه که یک استاد باید تا چند صد دانشجویرا هدایت کند.

برای سرمایه این وضعیت دلخواه است زیرا به کارگرانی نیاز دارد که حداقل های لازم را آموخته باشد و بتوانند هم از عهده کار برآیند و هم به دلیل درجه آموزشی پایین نتوانند خواهان حق و حقوق بالا باشند. زیرا در سرمایه داری هر چه دستمزد یعنی کار پرداخت شده کمتر باشد بخش دیگر یعنی کار پرداخت نشده یا سود سرمایه دار بیشتر خواهد شد. در سرمایه داری انسان حق ندارد از زندگی شایسته انسانی، رفاه، وقت آزاد بیشتر برای خود و خانواده و ارتقای معنوی برخوردار باشد.

۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

آموزان به سمت مدرسی رانده می شوند که تا کلاس نهم امکان رشد دارند. اینان بعدا شانس در بازار کار نیز نخواهند داشت. تصمیم گیری برای تعیین نوع مدرسه با اولیای آموزشی مدرسه است و در موارد بیشماری با وجود نمرات خوب دانش آموز آن ها والدین را که اطلاع چندانی از نظام آموزشی ندارند قانع می کنند که بهتر است کودکشان به جای دبیرستان به این مدارس بروند. سیستم تبعیض آمیز آموزشی چنان از اساس خراب است که در ۵ سال اخیر هیچگاه دانش آموزان آلمانی نتوانسته اند در تست های پیزا که برای اروپا انجام می شود رتبه خوبی بیاورند. دانش آموزان خواهان دخالت بیشتر در تصمیم گیری های مدرسه مثلا برنامه های آموزشی و نحوه خرج بودجه مدارس هستند. آن ها خواهان استخدام معلمان جدیدند زیرا کلاس ها با تراکم بالای شاگردان همراه است. در سال ۱۹۹۶ مدارس آلمان به

مستمر علیه این قانون مبارزه کرده و موفق شده اند در چند ایالت آن را ملغی کنند و مبارزه همچنان برای لغو کامل آن ادامه دارد. تقویت حق تصمیم گیری در مورد مسایل دانشگاه توسط دانشجویان و استادان. هم چنین در هامبورگ دانشجویان خواهان برکناری رئیس دانشگاه شده اند. اما حزب حاکم از او پشتیبانی کرده است.

در بخش دانش آموزی اعتراض به نظام آموزشی ای است که طبقاتی و تبعیض آمیز است و از همان ابتدا شاگردان را به صورت تبعیض آمیز دسته بندی می کند. دانش آموزان بعضی از مدارس موجود در سیستم آموزشی امکان راه یابی مستقیم به دانشگاه ها را ندارند. این یک تبعیض سازمان یافته است که گریبان بچه های خانواده های فقیر، کارگری و با پیشینه مهاجرت والدین را می گیرد. اکثر این دانش

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

khbitkzs@gmail.com

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
 - ازدواج با جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.